



## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید دانشگاه ها - 26 / آذر / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

چند جمله یی عرض می‌کنیم، بعد آماده و منتظر می‌نشینیم برای استماع بیانات دوستانی که این جا تشریف دارند.

اولاً به همه یی برادران و خواهران خوش آمد عرض می‌کنم و خود را سعادت‌مند می‌شمرم، به خاطر این که این جلسه تشکیل شد و دانشمندان و فرزندگان و استادانی در این جا گرد آمدند؛ این برای من مایه یی بهجت و مسرت و افتخار است. اگر می‌توانستیم ترتیبی بدهیم که همه یی اساتید کشور در جلسه یی جمع می‌شدند و در خدمتشان می‌بودیم و ساعتها می‌نشستیم و می‌شنیدیم، یقیناً آن را ترجیح می‌دادیم. طبعاً این کار میسر نیست؛ لذا فعلاً به همین اندازه که در خدمت دوستان هستیم، بسنده می‌کنیم؛ «ما لا یدرک کله لا یترک جزئه».

جلسه با این هدفها تشکیل می‌شود: در درجه یی اول، تکریم اساتید. این یک کار نمادین است، برای این که ما بدین وسیله اخلاص و ارادت خود را به استادان رشته های گوناگون علوم و گردانندگان حقیقی و معنوی دستگاه علم و دانشگاه در کشور نشان دهیم؛ چون می‌دانیم ترویج علم اگر چند مقدمه داشته باشد، یکی از آنها تکریم عالم است؛ بنابراین مایلیم عملاً این تکریم را اعلام کنیم.

هدف دوم از این جلسه این است که چیزهایی را از زبان شما بشنویم. آنچه در ذهن شماست، لب آن را در این جا مطرح کنید و بنده مستمع خوبی هستم و امید این را دارم که این شنیدن، منشأ خیر و اثر هم بشود. بدیهی است که در وقت کوتاه جلسه یی ما فقط تعداد معدودی می‌توانند این فرصت را پیدا کنند که در این جلسه حرف بزنند؛ لیکن باز هم «ما لا یدرک کله لا یترک جزئه»؛ اگر به همه یی مطلوب دسترسی نیست، به آنچه در دسترسی هست، باید بسنده کرد. شاید برخی از چیزهایی که شما خواهید گفت، برای حضار جلسه یا برای من تازگی نداشته باشد؛ ولی یقیناً بسیاری از آنها تازگی خواهد داشت. بعلاوه، در شنیدن، اثری هست که در دانستن نیست؛ لذا باید شنید. از طریق همین شنیدن، کارهایی هم بحمدالله انجام گرفته است. این جلسه را ما در سالهای گذشته در ماه رمضان تشکیل می‌دادیم. شاید برخی یا بسیاری از شما برادران و خواهران در آن جلسات هم حضور داشته اید. امسال به این دلیل که بتوانیم از بعضی از دوستانی هم که در غیر تهران هستند، در این جلسه پذیرایی و از آنها استفاده کنیم، جلسه را بعد از ماه رمضان گذاشتیم و امشب این توفیق برای ما پیدا شده است. بنابراین، هدف دوم، شنیدن از شماست؛ این برای ما مفید است.

همه یی آنچه این جا گفته شده، به نحوی دنبال شده است؛ بعضی بهتر، بعضی قوی تر، بعضی هم به طور متوسط. یعنی این طور نیست که سخنی گفته بشود و فقط صرف گفتن در این جلسه باشد. چون من خواستم ببینم در جلسات گذشته، آقایان چه مطالبی مطرح کرده اند، گفتم در این باره گزارشی تهیه کنند. در این گزارش، موارد دنبال شده آمده بود؛ بعضی در رابطه یی با دولت بود، بعضی در رابطه یی با برخی دستگاه های دیگر بود، برخی در رابطه یی با دانشگاه ها بود. درعین حال تعقیب نقاط مورد نظر به صورت اجرایی یک مطلب است، و پراکندن فکر درست در فضا، مطلب دیگری است؛ و این دومی مهمتر است. این که شما سخنی را بر زبان بیاورید و این فکر را در فضا بپراکنید، بدون تردید در آینده، سازنده یی جهت و سمت حرکت خواهد شد؛ بسته به این است که پراکننده تا چه اندازه این سخن را منطقی و قوی و متکی به استدلال و واقعیتها بر زبان آورده باشد. بنابراین، این هم هدف بعدی است که ان شاءالله برخی از کارها در این جا به نتایجی می‌رسد و دنبال می‌شود.

دایره یی مطالبی که شما بیان خواهید کرد، نامحدود است؛ یعنی از طرف من هیچ حد و مرزی برای آنچه بیان خواهد شد، وجود ندارد. اصلاً اصرار دارم در این خصوص محدودیت وجود نداشته باشد؛ ولی می‌خواهم دو سر فصل



را هم مطرح کنم که در صحبت های خود اگر به اینها توجه کنید و درباره ی اینها هم سخنی بگویید، خوب است: یکی عبارت است از راه حل عملگراتر شدن و کارآمدتر شدن پژوهش و تحقیق در کشور؛ چه از سوی استادان و برگزیدگان، و چه از سوی دانشجویانی که در دانشگاه ها پایان نامه هایی را می نویسند. در حین تحصیل یا در پایان تحصیل، از سوی دانشجو و استاد، ساعتی بسیار ذی قیمتی صرف تهیه ی یک پایان نامه یا یک پژوهش در دانشگاه می شود. آیا گزینش این عناوین، حساب شده و در جهت نیازهای کشور است؟ آیا محصول پژوهش و تحقیقی که استاد و دانشجو، مشترکاً و یا به طور دستجمعی انجام داده اند، به مرحله ی اجرا و عمل می رسد؟ آیا به این وسیله، دانشگاه ما، دانش ما و رتبه ی تحقیقاتی ما رشد می کند یا نه؟ بعضی از دانشجویان پایان نامه های خود را جلد کرده و قشنگ برای بنده می فرستند. من در کتابخانه ی خودم قفسه یی را برای همین پایان نامه ها گذاشته ام. متأسفانه من مجال نمی کنم از اینها استفاده کنم - حالا در آن رشته هایی که برای من قابل استفاده است - ولی عناوینی که روی اینها می بینم، بعضی خیلی جالب و شیواست و آدم دوست می دارد این موضوع را تحت این عنوان دنبال کند. بعضی هم عناوینی است که خیلی حاشیه یی و دور از مسیر حرکت علمی و عملی و اجرایی کشور است. برای این که این پژوهش، این پایان نامه و این کار مهم - که ساعتی گرانبهایی صرف آن شده - به کار بیاید، چه راه حلی وجود دارد؟ این را در مطالبی که بیان می کنید، اگر مطرح کنید، مفید است.

دوم این که بحمدالله ما امروز در مجموعه ی اساتید و دانشجویانمان روح تعهد در مسائل اجتماعی را خیلی بارز مشاهده می کنیم. من دانشگاه قبل از انقلاب را هم کاملاً یادم هست. امروز احساس تعهد دانشجو و استاد نسبت به مسائل کشور و مسائل اجتماعی خوب است - که نمونه هایش را هم داریم می بینیم - لیکن چه کنیم که این احساس مسؤلیت و این روح تعهد در مقابل سرنوشت کشور، تقویت شود؟ کاری کنیم که در محیط دانشگاه - این محیط پُرنشاط و پُرتپش؛ محیطی که از علم و روحیه ی تحقیق و همراه با نشاط و جوانی، سرشار و لباب است - این احساس تعهد و مسؤلیت بیش از پیش وجود داشته باشد و همه یا اکثریت قاطع اساتید و دانشجویان نسبت به سرنوشت و آینده ی کشور و آینده ی نسلها احساس مسؤلیت کنند و روح فردگرایی و به فکر سرنوشت شخص خود بودن، قدری تضعیف شود؛ یعنی نه دانشجو و نه استاد، همه ی هم و غمشان این نباشد که آینده یی برای شخص خودشان بسازند. معمولاً این طوری است که برای مردم عادی مسائل شخصی در خیلی از موارد ترجیح پیدا می کند. اگرچه از دید اسلام همه باید مصالح و سرنوشت عمومی را بر مصالح و منافع شخصی ترجیح دهند، لیکن از نخبگان، زبندگان و برجستگان - که مظهر آنها مجموعه ی استاد و دانشجو هستند - توقع این است که روحیه یی به فکر سرنوشت خود بودن، بر روحیه یی به فکر سرنوشت کشور بودن ترجیح پیدا نکند.

طبیعتاً ما انتظار نداریم که از این جلسه ی دوستانه و صمیمی، مثل یک سمینار علمی تخصصی بهره برداری کنیم. البته من توصیه می کنم در همه ی زمینه های مهم، سمینارهای واقعی برگزار شود؛ نه شکلی و صوری. گاهی انسان می بیند سمینار و کنگره ی بین المللی یا داخلی برگزار می شود، اما اغلب، ته اش چیزی در نمی آید. واقعاً باید سمینارهای علمی تخصصی مفید تشکیل شود. ما از این جلسه ی صمیمی دوستانه انتظار آن طور چیزی را نداریم؛ اما این جلسه چون در سطح کشور منعکس می شود، می تواند الهام بخش باشد و سررشته های فکری زیادی را به همه ی آحاد کشور - تا آن جایی که صفحه ی تلویزیون جلوی آنهاست - بدهد.

من منتظرم دوستان شروع کنند. ظاهراً قرار است آقای دکتر عزیزی جلسه را اداره بفرمایند. از ایشان هم خیلی متشکریم که قبول زحمت کردند؛ دانشمند و برجسته، متعهد و متخصص.

بیانات معظم له پس از سخنان اساتید

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ی بسیار مفید و خوبی بود. اگرچه مجال نشد همه ی دوستان، برادران و خواهران و لاقل همه ی آنهایی که



مایل بودند صحبت کنند، مطالبی را بفرمایند؛ لیکن همان مقداری که گفته شد، مفید بود. بنده نکات بیان شده را یادداشت کردم، بعد هم تفصیل اینها ان شاءالله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

نباید تصور کرد که مجموعه ی انسانی یک ملت، یک حرکت بسیط می تواند داشته باشد. حرکتها، جمع بندی شده ی مجموعه ی احساسات، انگیزه ها و تحرکها در کل جامعه است. ما بحمدالله در بخشهای بسیار زیادی داریم پیشرفت می کنیم. این طور تصور نشود که ما از واقعیات جامعه بی خبر می مانیم؛ نه، من بحمدالله با بدنه ی مردم مرتبم. شما آقایان و خانمهایی که این جا تشریف دارید، بخشی از مجموعه ی نخبگان کشور هستید. بنده با غیرنخبه ها، با مردم عادی، با روحانیون، با ائمه ی جماعات و با خانواده های گوناگون ارتباط دارم؛ گاهی هم به خانه های مردم می روم و روی فرش و زیر سقفشان می نشینم؛ بنابراین واقعیتهای را می بینم؛ این طور نیست که ندانم و نبینم. این تصور و توقع هم منطقی نیست که ما فکر کنیم باید یکسره بدون ریزش و بدون وجود نموده ها و نمونه هایی که نمی پسندیم، جلو برویم؛ نه، بالاخره ریزشها و رویشهایی هست؛ سقوطها و عروجهایی هست؛ مجموعه ی انسانی جمع بندی شده را باید محاسبه کرد. مشکلاتی هم که دوستان بیان کردند، من آنها را محتمل می دانم و قبول می کنم. خیلی از این مشکلات و این گره ها وجود دارد، اما در کنارش امور مثبت و موجبات - چیزهایی که مایه ی امید و سرور می شود - وجود دارد. تلاشی که باید بکنیم، این است که مشکلات را برطرف کنیم. در مجموع، آنچه به نظرم می رسد، این است که ما در زمینه ی تربیت نخبگان - که یک بخش عمده ی آن در عرصه ی آموزش دانشگاهی است - هم در بخش آموزش و هم در بخش پژوهش، نیاز به تمرکز بیشتری از سوی مسؤولان داریم. مسؤولان کشور در این زمینه باید با یک نگاه واقع بین و با یک محاسبه ی صحیح و - برای کوتاه مدت - غیرمادی به مسأله نگاه کنند. اگرچه در بلندمدت یقیناً ثروت و پیشرفت و رشد مادی کشور هم در گرو همین هاست، منتها در مسائل دانشگاه، در کوتاه مدت باید محاسبات را بر مبنای مسائل مالی و اقتصادی و مادی قرار نداد. نه این که الان این نگاه وجود ندارد؛ من می بینم هم در سازمان مدیریت و برنامه ریزی و هم در مجموعه ی دولت این نگاه وجود دارد و مسؤولانی که در رأس این کارها هستند، خودشان غالباً دانشگاهی و اهل تحصیلات عالی هستند؛ کسانی هستند که قدر تحصیلات و تحقیق را می شناسند؛ ولی باید برنامه ریزی شود؛ مدیریت لازم است. همین مسأله ی هجرت نخبگان یا فرار مغزها - که آقایان به بیانهایی خوبی اشاره کردند - هرچند بخشی از آن بلاشک به امکانات و امثال آن مرتبط است، بخشی هم به مسائل معنوی ربط دارد؛ اما بخشی هم مربوط به مدیریتهاست. ما، هم در وزارت علوم و بخشهای مختلف تحقیقاتی، و هم در مدیریت دانشگاه ها نیاز به این داریم که انسانهایی که این مسؤولیتها را بر عهده دارند، با نگاه مدیریتی کارآمد و پخته و سنجیده با این مسأله برخورد کنند. یقیناً پیشرفت کاروان علم و تحقیق در کشور احتیاج دارد به مدیریت؛ به تعبیر برخی از دوستان، به نظارت، اشراف، برنامه ریزی، جهتهایی و هدف معین کردن نیاز دارد؛ بدانیم برای کار تحقیقاتی راهبرد ما چیست؛ چه کنیم که این تحقیقات و این آموزش برای کشور مفید باشد و به کار کشور بیاید، که دوستان هم در این زمینه مطالب خوبی بیان کردند.

افق کار در کشور، بسیار خوب است؛ استعدادها خوب است؛ امکانات موجود کشور، قابل قبول است؛ این امکانات را می شود افزایش داد. دستگاه های مسؤول دولتی و اجرایی علاقه مندند به علم اهمیت بدهند و این را قبول کرده اند که علم، محور توسعه ی حقیقی برای کشور است. ما بدون علم نمی توانیم به جایی برسیم؛ هم در سند چشم انداز بیست ساله این آمده، هم در مذاکراتی که حول وحوش این مسأله وجود دارد، این معنا بوضوح برای همه تبیین شده است. همت لازم است؛ هم در دستگاه های مدیریتی، هم در شما اساتید محترم و کسانی که بالمباشره مسؤولید.

آنچه مهم است، تولید علم است. دوستان آمارهایی دادند، من هم این آمارها را قبول دارم، به ما هم در زمینه ی



پیشرفتهای تحقیقی و مقالات منتشره ی در مجلات علمی و معتبر دنیا هم گزارشهایی داده شده؛ منتها توجه کنید که تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این که نوشته و تحقیق و فرآورده ی ذهن دانشمندان در زمینه ی علوم مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم تجربی - بیاید و خوب دانسته شود و همین ها محور تشخیص و معرفت نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست. ما می بینیم که در زمینه های مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظریه در دنیای مادی و دنیای غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ بخصوص در زمینه ی علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می دهد. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در سنتی با آنچه آن را دین می پنداشتند، آغاز شده. البته آنها حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده ها و گره ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زیدگان فکری باقی بماند و برایش راه علاجهای ضددینی و غیردینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آنها مسأله است؛ لیکن مسأله ی ما این نیست. در جهان بینی ما، علم از دل دین می جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می شناسیم، جهان بینی دینی یی که ما از قرآن می گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق کننده ی علم است. نمونه اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه ی اسلام بر اثر تشویق اسلام آن چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی سابقه بود - در همه ی زمینه ها - و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم انسانی یی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه ها باید کار کنیم. در زمینه ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه های نو و گشودن افقهای جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده ایم؛ بوضوح می شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیردینی و ضددینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لاقول پیشرفت می کردیم. ما از لحاظ علمی، عقب مانده و عقب نگه داشته شده بودیم. بیش از پنجاه سال، تحرک و جوش علمی در این کشور کند بود؛ در بعضی از بخشها تعطیل بود. موانعی که به وجود آوردند، برای این ملت مثل سم کشنده یی بود. باور را از ملت ما گرفتند. ملت و نخبگان و مغزهای ما را به هر آنچه از بیرون این مرزهاست، آن چنان دلبسته کردند که اصلاً کسی این مجال و این جرأت و این شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می توان برخلاف آن حرفها یا غیر از آن حرفها و آن نظریه ها، نظریه یی ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی گرفتار آن حرفها هستیم. البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرأت بخشید. آنچه امروز مشاهده می کنیم، نتیجه ی همین جرأت است؛ باید این جرأت را تقویت کرد و پیش رفت. استعدادهایی ما خوب است. جوانهایی ما خوبند. اگر همین کارهایی که آقایان اشاره کردند - شناسایی و جذب استعدادها در زمان خود، هدایت صحیح اینها، به کار گرفتن اینها، سازماندهی معنوی صحیح در زمینه ی نخبگان - صورت بگیرد، که هم انجام شدنی است و هم ان شاءالله اراده اش وجود دارد؛ و اگر همین بنیاد نخبگانی که ما پیشنهاد کردیم، در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شود - که شنیدم مقدماتش را دارند فراهم می کنند و اساسنامه یی هم نوشته اند - ان شاءالله به این سمت پیش خواهیم رفت.



البته من این نکته را هم تصحیح کنم. دوستان چند جا در خلال فرمایشاتشان به ما گفتند «دستور بدهید». بنده در این زمینه ها هیچ دستوری به کسی نمی دهم؛ چون کار ما در این زمینه دستوری نیست؛ مثلاً به وزارت علوم دستور بدهم در این زمینه این طوری عمل کند؛ نه، ما به دولت و مسؤولان به صورت اعلام سیاستها، چارچوب ها را می دهیم. یا بعضی از دوستان گفتند به قاضی دستور بدهید. بنده به قاضی دستور نمی دهم؛ قاضی کار خودش را می کند، مسؤولیت کار خودش را هم دارد؛ کما این که دستگاه های دولتی مسؤولیت خود را دارند. ما تلاش و دنبال گیری می کنیم تا این کارها ان شاءالله در مسیر و بستر قانونی و صحیح و منطقی خود تحقق پیدا کند. این چیزها دستوری نیست. خیلی مشکلات هم با دستور و بخشنامه و امثال اینها حل نمی شود. به هر حال امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال به اجتماع امشب ما برکت دهد و آنچه را که شما گفتید و یا در ذهنتان هست، و آنچه لابد بعضی دوستان خواهند نوشت و خواهند داد، وسیله یی بشود برای این که کار ما در زمینه ی آموزش عالی باز هم پیشرفت بیشتری بکند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته